

دعای ندبه

دعای ندبه بسیار جامع است و بیانگر تاریخ انبیاء و اولیای الهی بر روی زمین است. این تاریخ از حضرت آدم(علیه السلام) شروع شده و تا آخرین حجت الهی حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ادامه می یابد. این دعا توسط حضرت امام صادق(علیه السلام) به شیعیان و شاگردانش تعلیم داده شد و فرموده اند: این دعا را در اعیاد چهارگانه ی فطر، قربان، غدیر و جمعه بخوانید و در عصر غیبت با پیشوای الهی حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) راز دل گفته و تجدید میثاق کنید.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا

ستایش و سپاس مخصوص خداست که آفریننده جهانست و درود و تحیت کامل بر سید ما و پیغمبر خدا، حضرت محمد مصطفی و آل اطهارش باد.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ، إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ

پروردگارا ترا ستایش می‌کنم برای هر چه که در قضا و قدر تقدیر کردی بر خاصان و محبانت، یعنی بر آنان که وجودشان را برای حضرتت خالص و برای دینت مخصوص گردانیدی

مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَ لَا اَضْمِحْلَالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا

چون بزرگ نعیم باقی بی زوال ابدی را که نزد توست بر آنان اختیار کردی، بعد از آنکه زهد در مقامات و لذات و زیب و زیور دنیای دون را بر آنها شرط فرمودی

وَ زُخْرُفِهَا وَ زِبْرَجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ

آنها هم بر این شرط متعهد شدند و تو هم می دانستی که به عهد خود وفا خواهند کرد

فَقِيلَتْهُمْ وَ قَرَّبَتْهُمْ، وَ قَدِمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ، وَ الثَّنَاءَ الْجَلِيلِيَّ، وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمُ مَلَائِكَتَكَ، وَ كَرَّمْتَهُمْ يَوْحِيكَ

پس آنان را مقبول و مقرب درگاه خود فرمودی و علو ذکر، یعنی قرآن با بلندی نام و ثنای خاص و عام بر آنها از پیش عطا کردی و فرشتگانت را بر آنها فرو فرستاده و با وحی خودت آنها را کرامت بخشیدی.

وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَ الْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، فَبَعْضٌ أَسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ

و آنها را واسطه و وسیله دخول به رضوان و بهشت و رحمت خود گردانیدی

إِلَى أَنْ أُخْرِجْتَهُ مِنْهَا، وَ بَعْضٌ حَمَلْتَهُ فِي فُلُوكِ، وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ يَرْحَمَتِكَ

پس بعضی از آنها را در بهشت منزل دادی تا هنگامی که او را از بهشت بیرون کردی. برخی را در کشتی نشانده، با هر کس ایمان آورده و در کشتی با او در آمده بود همه را از هلاکت، به رحمت خود نجات دادی

وَ بَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا، وَ سَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْأَخْرَيْنَ، فَأَجَبْتَهُ وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا، وَ بَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكَلِيمًا، وَ جَعَلْتَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ رِذَاءً وَ وَزِيرًا

بعضی را به مقام خلت خود برگزیده، درخواستش را که وی لسان صدق در امم آخر باشد اجابت کرده و به مقام بلند رسانیدی. بعضی را از شجره طور با وی تکلم کرده و برادرش را وزیر و معاون وی گردانیدی

وَ بَعْضٌ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَ آتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَ آيَدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ كُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَ نَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءً

بعضی را بدون پدر و تنها از مادر ایجاد کردی و به او معجزات عطا فرموده، او را به روح قدس الهی مؤید داشتی. و همه آن پیمبران را شریعت و طریقه و آیینی عطا کردی

وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مَدَّةٍ إِلَى مَدَّةٍ، إِفَامَةً لِدِينِكَ، وَ حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ

و برای آنان وصی و چانشینی، برای آنکه یکی بعد از دیگری مستحفظ دین و نگهبان آیین و شریعت و حجت بر بندگان تو باشد از مدتی تا مدت معین، قرار دادی

وَ إِنَّا بِزُورِ الْحَقِّ عَنْ مَقَرِّهِ وَ يَغْلِبِ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ، وَ لَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْزِرًا، وَ أَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا، فَتَنِيحَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزَى

تا آنکه دین حق از فرارگاه خود خارج نشود و اهل باطل غلبه نکنند. و تا کسی نتواند گفت که: ای خدا چرا رسول به سوی ما نفرستادی که ما را از جانب تو به اندرز و نصیحت ارشاد کند؟ و چرا پیشوا و رهبری نگماشتی که ما از آیات و رسولانت پیروی کنیم پیش از آنکه به گمراهی و ذلت و خذلان در افتیم؟

إِلَىٰ أَنْ أَنْتَهَبْتَ بِالْأَمْرِ إِلَيَّ حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ كَمَا اتَّجَبْتَهُ، سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ، وَ صَفْوَةَ مَنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَ أَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَ أَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ

لذا در هر دوره‌ای رسول فرستادی، تا آنکه امر رسالت به حبیب گرامیت محمد صلی الله علیه و آله منتهی گردید. او چنانکه تو او را به رسالت برگزیدی سید و بزرگ خلایق بود و خاصه و خلاصه پیمبرانی که به رسالت انتخاب فرمودی و افضل از هر کس که برگزیده توست و گرامی تر از تمام رسلی که معتمد تو بودند

قَدَّمْتَهُ عَلَيَّ أَنْبِيَاءِكَ، وَ بَعَيْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَ أَوْطَأْتَهُ مَشَارِفَكَ وَ مَغَارِبَكَ، وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَ عَرَجْتَ بِهِ إِلَى سَمَاوَاتِكَ، وَ أَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ

بدین جهت او را بر همه رسولانت مقدم داشتی و بر تمام پندگانت از جن و انس مبعوث گردانیدی و شرق و غرب عالمت را زیر قدم فرمان رسالتش گستردی و براق را مسخر او فرمودی و او را به سوی آسمان خود به معراج بردی و علم گذشته و آینده، تا انقضای خلقت را به او به ودیعت سپردی.

ثُمَّ نَصَرْتَهُ يَا رُعْبِ، وَ حَفَفْتَهُ يَجْبَرْتِيلَ وَ مِيكَائِيلَ، وَ الْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ

آنگاه او را به واسطه رعب و ترس دشمن از او، بر دشمنان مظفر و منصور گردانیدی و جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان با اسم و رسم و مقام را گرداگردش فرستادی

وَ وَعَدْتَهُ أَنْ تُطَهِّرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءًا صِدْقٍ مِنْ أَهْلِيهِ، وَ جَعَلْتَ لَهُ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ، لِلَّذِي بِيَكَّةَ مَبَارَكًا وَ هَدَىٰ لِلْعَالَمِينَ

و به او پیروزی دینش را بر تمام ادیان عالم به رغم مشرکان وعده فرمودی و این ظفر پس از آن بود که رسول اکرم را (بعد از هجرت) باز، تو او را با فتح و ظفر به خانه کعبه مکان صدق اهل بیت باز گردانیدی و برای او و اهل بیتش، آن خانه مکه را اول بیت و نخستین خانه برای عبادت بندگان مقرر فرمودی. و (خاندانش را) وسیله هدایت عالمیان گردانیدی

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَ قُلْتَ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ يَطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا

این خانه آیات و نشانه‌های آشکار ایمان و مقام ابراهیم خلیل بود و محل امن و امان بر هر کس که در آن داخل می شد. و درباره خاندان رسول فرمودی: البته خدا از شما اهل بیت رسول هر رجس و ناپاکی را دور می سازد و کاملاً پاک و مبرا می گرداند

ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا، إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ قُلْتَ: مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ

سپس مزد محمد که درود تو بر او خاندانش باد؛ را دوستی آنان مقرر کردی و در کتاب خود فرمودی: بگو من از شما مزدی نمی خواهم، الا مودت خویشانم. باز فرمودی: بگو همان اجر رسالتی را که خواستم؛ باز به نفع شما خواستم

وَ قُلْتَ: مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ، إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلَكَ إِلَىٰ رِضَايِكَ

و باز فرمودی: بگو من از شما امت اجر رسالتی نمی خواهم، جز آنکه شما راه خدا را پیش گیرید. پس (می توان فهمید) اهل بیت رسول، طریق و رهبر به سوی تو بود در راه بهشت رضوان تو

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا، هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ، وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأَ أَمَامَهُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ

و هنگامی که دوران عمر پیغمبرت سپری گشت، وصی و جانشین خود علی بن ابی طالب (صلوات الله علیهما و آلهما) را به هدایت امت برگماشت. چون او منذر و برای هر قوم هادی امت بود. پس رسول اکرم در حالی که امت همه در پیش بودند؛ فرمود: هر کس که من پیشوا و دوست و ولی او بودم؛ پس از من، علی مولا و امام و پیشوای او خواهد بود

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَ اخذْ مَنْ خَذَلَهُ،

بارالها دوست بدار هر که علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر که علی را دشمن بدارد و یاری کن هر که علی را یاری کند و خوار ساز هر که علی را خوار سازد. باز فرمود: هر کس من پیغمبر او هستم؛ علی امیر و فرماندار اوست

وَقَالَ: أَبَا وَ عَلِيٍّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرَتَيْنِ، وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَرُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ: أَنْتَ مَنِ يَمْتَرِلَةَ هَرُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

باز فرمود: من و علی هر دو شاخه‌های یک درختیم و سایرین از درختهای مختلفند. و پیغمبر علی را نسبت به خود، به مقام هارون نسبت به موسی نشانند؛ جز آنکه فرمود: پس از من پیغمبری نیست.

وَ زَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَ سَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ

باز رسول اکرم دختر گرامیش که سیده زنان عالم است، را به علی تزویج فرمود. باز حلال کرد بر علی آنچه بر خود پیغمبر حلال بود و باز تمام درهای منازل اصحاب را که به مسجد رسول باز بود، به حکم خدا بست غیر در خانه علی

ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ، فَقَالَ: أَبَا مَدِينَةَ الْعِلْمِ وَ عَلِيٍّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ: أَنْتَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَارِثِي، لِحَمِّكَ مِنْ لَحْمِي، وَ دَمِّكَ مِنْ دَمِي، وَ سِلْمُكَ سِلْمِي، وَ حَرِيكَ حَرِيي، وَ الْإِيمَانَ مَخَالَطَ لِحَمِّكَ وَ دَمِّكَ كَمَا خَالَطَ لِحَمِّي وَ دَمِّي

آنگاه رسول اسرار علم و حکمتش را نزد علی به ودیعه گذاشت و فرمود: من شهر علم هستم و علی در آن شهر. پس هر که بخواهد در این مدینه علم و حکمت وارد شود، از درگاهش باید وارد گردد. آنگاه فرمود: تو برادر من، وصی من و وارث من هستی. گوشت و خون تو، گوشت و خون من است. صلح و جنگ با تو، صلح و جنگ با من است و ایمان چنان با گوشت و خون تو آمیخته شده که با گوشت و خون من آمیخته‌اند

وَ أَنْتَ عَدَا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي، وَ أَنْتَ تَقْضِي دِينِي، وَ تَنْجِزُ عِدَاتِي، وَ شَيْعَتُكَ عَلَى مَنَائِرٍ مِنْ نُورٍ، مُبِيضَةٌ وَ جَوْهَرُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ، وَ هُمْ جِيرَانِي، وَ لَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي

تو فردا جانشین من بر حوض کوثر خواهی بود و پس از من، تو اداء قرض من می کنی و وعده‌هایم را انجام خواهی داد. شیعیان تو در قیامت بر کرسیهای نور با روی سفید در بهشت ابد، اطراف من قرار گرفته‌اند و آنها همسایه من هستند. اگر تو یا علی بعد از من میان امت نبودی، اهل ایمان به مقام معرفت نمی رسیدند.

وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَ نُورًا مِنَ الْعَمَى، وَ حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ، لَا يُسْبَقُ يَقْرَابَةَ فِي رَجْمٍ، وَ لَا يَسَاقِقَةَ فِي دِينٍ

همانا علی بود که بعد از رسول اکرم؛ امت را از ضلالت و گمراهی و کفر و نابینایی، به مقام هدایت و بصیرت می رسانید. او حبل‌الله متین در راه مستقیم حق برای امت است. هیچ کس به قرابت با رسول، بر او سبقت نیافته و در اسلام و ایمان بر او سبقت نگرفته

وَ لَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنْاقِبِهِ، يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، وَ يُقَاتِلُ عَلَى التَّوْبِلِ، وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ

و نه کسی به او در مناقب و اوصاف کمال خواهد رسید. تنها قدم به قدم از پی رسول اکرم، علی راه پیمود که درود خدا بر هر دو و بر آل اطهارشان باد، و علی است که بر توبل (و حقایق و مقاصد اصلی قرآن) جنگ می کند و در راه رضای خدا از ملامت و سرزنش بدگویان باک ندارد

قَدْ وَتَرَ فِيهِ صِنَادِي الْعَرَبِ، وَ قَتَلَ أَبْطَالَهُمْ، وَ نَاوَشَ دُؤَابَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا، بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حَنْبِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ، فَأَصْبَتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ

و در راه خدا، خونهای صنادید و گردنکشان عرب را به خاک ریخت و شجاعان و پهلوانانشان را به قتل رساند و سرکشان را مطیع و منقاد کرد. در نتیجه دلهایشان پر از حقد و کینه، از واقعه جنگ بدر و حنین و خیبر و غیره گردید و بازماندگان نشان کینه علی را در دل گرفتند

وَ أَكْبَتَ عَلَيَّ مُنَابَذَتِي، حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَ الْفَاسِطِينَ وَ الْمَارْقِينَ وَ لَمَّا قَضَى نَحْبَهُ، وَ قَتَلَهُ أَشْقَى الْأَخْرِينِ، يَتَّبِعُ أَشْقَى الْأَوَّلِينَ

و در اثر آن کینه پنهانی، بر دشمنی او قیام کردند و به مبارزه و جنگ با او هجوم آوردند. تا آنکه ناگزیر او هم با عهد شکنان امت (طلحه و زبیر) و با ظالمان و ستمکاران (معاویه و یاران او) و با خوارج مرتد از دین در نهروان به قتال برخاست. و چون نوبت اجلاس فرا رسید و شقی‌ترین خلق (اول و آخر عالم؛ پیروی از شقی‌ترین خلق اول نمود.

لَمْ يُمْتَلَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَ الْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةٍ رَجِمِهِ، وَ إِفْصَاءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ

در نتیجه فرمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله را درباره هادیان خلق، یکی بعد از دیگری امتثال نکردند و امت همه کمر بر دشمنی آنها بسته و بر قطع رحم پیغمبر و دور کردن اولاد طاهرینش متفق شدند. جز قلیلی از مؤمنان حقیقی که حق اولاد و رسول را رعایت کردند

فَقِيلَ مِنْ قَيْلٍ، وَ سَيِّئَ مَنْ سَيِّئٍ، وَ أَفْصَى مِنْ أَفْصَى، وَ جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ يَمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِيَلِهِ، يورثها من يشاء من عباده، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمَتَّقِينَ

تا آنکه به ظلم ستمکاران امت، گروهی را کشته و جمعی اسیر و فرقه‌ای هم دور از وطن خود شدند. و قلم قضا بر آنها جاری شد به چیزی که امید از آن، حسن ثواب و پاداش نیکو است. چون زمین ملک خداست و هر که از بندگان را بخواهد، وارث ملک زمین خواهد کرد و عاقبت نیک عالم با اهل تقوی است

وَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا، فَلْيَبْكِي الْبَاكُونَ، وَ أَيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ

و پروردگار ما از هر نقص و آرایش پاک و منزه است و وعده او قطعی و محقق الوقوع است و ابداً در وعده پروردگار خلاف نیست و در هر کار در کمال اقتدار و علم و حکمت است. پس باید گریه کنندگان، بر پاکان اهل بیت پیغمبر و علی صلی الله علیهما و آلهما گریه کنند و بر آن مظلومان عالم، ندبه و فغان نمایند

وَ لِيَمْنِلَهُمْ فَلْتَدْرِفِ الدَّمُوعُ، وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَ يَضِحَّ الصَّاجُونَ، وَ يَعْجَّ الْعَاجُونَ، أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ؟ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ؟

و برای مثل آن بزرگواران؛ اشک از دیدگان بارید و ناله و زاری و ضجه و شیون از دل برکشند که ای پروردگار کجاست حسن بن علی؟ کجاست حسین بن علی؟

صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ؟ أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ؟ أَيْنَ الشَّمْسُ الْطَالِعَةُ؟
آن پاکان و راستگویان عالم کجا بید آنها که یکی بعد از دیگری، رهبر راه خدا و برگزیده از خلق خدا بودند؟ کجا رفتند تابان خورشیدها؟

أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ؟ أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟ أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ، وَ قَوَاعِدُ الْعِلْمِ؟ أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ؟

کجا بید آن فروزان ماهها؟ کجا رفتند ستارگان درخشان؟ کجا رفتند آن رهنمایان دین و ارکان علم و دانش؟ کجاست حضرت بقیة الله که عالم خالی از عترت هادی امت نخواهد بود؟

أَيْنَ الْمَعْدَى لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمَةِ؟ أَيْنَ الْمُنتَطِرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْوَجْجُ؟ أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ؟

کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیا گردیده؟ کجاست آنکه منتظریم اختلاف و کج رفتاریهای اهل عالم را به راستی و اصلاح کند؟ کجاست آنکه امیدواریم اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد؟
أَيْنَ الْمُدْخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ؟

کجاست آنکه برای تجدید فرائض و سنن اسلام که محو و فراموش گردیده؛ ذخیره است؟ کجاست آنکه برای برگرداندن ملت و شریعت مقدس اسلام اختیار گردیده؟ کجاست آنکه آرزومندیم کتاب و حدود آن را احیا سازد؟

أَيْنَ مُجْحِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ؟ أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ؟ أَيْنَ هَادِمُ أُنْبِيَاءِ الشِّرْكِ وَالنِّفَاقِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ؟ أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْعُغَى وَالشِّقَاقِ؟

کجاست آنکه دین، ایمان و اهل ایمان را زنده گرداند؟ کجاست آنکه شوکت ستمکاران و متعدیان را در هم می شکند؟ کجاست آنکه بنا و سازمانهای شرک و نفاق را ویران می کند؟ کجاست آنکه فسق و عصیان و طغیان را هلاک و نابود می گرداند؟ کجاست آنکه برای کندن ریشه گمراهی و دشمنی مهیاست؟

أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ؟ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكَيْدِ وَالْإِفْتِرَاءِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ الْعُنَاةِ وَالْمَرَدَّةِ؟ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالْتِصْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ؟

کجاست آنکه اندیشه باطل و هواهای نفسانی را نابود می سازد؟ کجاست آنکه ریسمان دروغ و افتراء را قطع خواهد کرد؟ کجاست آنکه متکبران سرکش را هلاک و نابود می گرداند؟ کجاست آنکه مردم ملحد، معاند و گمراه کننده را بیچاره کند؟

أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ، وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ؟ أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى؟ أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى؟ أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟ أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ؟

کجاست آنکه دوستان را عزیز و دشمنان را ذلیل خواهد کرد؟ کجاست آنکه مردم را بر وحدت کلمه و تقوی مجتمع می سازد؟ کجاست باب الهی که از آن وارد می شوند؟ کجاست آن وجه الهی که دوستان به سوی او روی آوردند؟ کجاست آن وسیله که بین آسمان و زمین پیوسته است؟

أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى؟ أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا؟ أَيْنَ الطَّالِبُ يَذْخُلُ الْأَنْبِيَاءُ وَ أَبْنَاءُ الْأَنْبِيَاءِ؟

کجاست صاحب روز فتح و برافرازنده پرچم هدایت در عالم؟ کجاست آنکه پریشانیهای خلق را اصلاح و دلها را خشنود می سازد؟ کجاست آنکسی که از ظلم امت بر انبیاء و اولاد انبیاء دادخواهی می کند؟

أَيْنَ الطَّالِبِ يَدِمُ الْمُقْتُولِ يَكْرِيْلَاءَ؟ أَيْنَ الْمُنْصُورِ عَلَيَّ مِنْ أَعْتَدِي عَلَيْهِ وَاقْتَرِي؟ أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى؟ أَيْنَ صَدْرَ الْخَلَائِقِ ذَوَالِيرِ وَالتَّقْوَى؟ أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى؟ وَابْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى؟

کجاست آنکه انتقام خون شهید کریلا را خواهد گرفت؟ کجاست آنکه خدا بر ستمکاران و تهمت زندگان، او را پیروز می گرداند؟ کجاست آنکه دعای خلق پریشان را اجابت می کند؟ کجاست آن بالاترین خلائق و صاحب نیکوکاری و تقوی؟ کجاست فرزند پیغمبر محمد مصطفی؟ و فرزند علی مرتضی؟

وَإِبْنَ خَدِيجَةَ الْعِرَاءِ؟ وَابْنَ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؟ يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَفَاءُ وَالْحِمَى، يَا بْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بْنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بْنَ الْهَدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا بْنَ الْخَيْرَةِ الْمَهْدِيِّينَ

و فرزند خدیجه بلند مقام؟ و فرزند فاطمه زهرا بزرگترین زنان عالم؟ پدر و مادرم فدای تو؛ جانم نگهدار و حامی ذات پاک تو باد ای فرزند بزرگان مقربان خدا، ای فرزند اصیل و شریف بزرگوارترین اهل عالم؛ ای فرزند هادیان هدایت یافته؛ ای فرزند بهترین مردان مهدب

يَا بْنَ الْعَطَارِفَةِ الْأَنْجِينِ، يَا بْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا بْنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجِبِينَ، يَا بْنَ الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بْنَ الْبُدُورِ الْمَنِيرَةِ، يَا بْنَ السَّرْجِ الْمَضِيئَةِ، يَا بْنَ الشَّهَبِ الثَّاقِبَةِ، يَا بْنَ الْأَنْجَمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بْنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ

ای فرزند مهتران شرافتمندان خلق؛ ای فرزند نیکوترین پاکان عالم؛ ای فرزند جوانمردان و برگزیدگان؛ ای فرزند گرمی تر مهتران؛ ای فرزند تابان ماهها و فروزان چراغها و درخشان ستارگان؛ ای فرزند راههای روشن خدا؛ ای فرزند نشانهای آشکار حق

يَا بْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا بْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا بْنَ السَّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْتُورَةِ، يَا بْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا بْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ

ای فرزند علوم (و معارف) کامل الهی؛ ای فرزند سنن و قوانین معروف آسمانی؛ ای فرزند معالم و آثار ایمان که مذکور است ای فرزند معجزات محقق و موجود؛ ای فرزند راهنمایان آشکار و مشهود خلق؛ ای فرزند صراط مستقیم خدا

يَا بْنَ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، يَا بْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلَيَّ حَكِيمٌ، يَا بْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا بْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا بْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَا بْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَا بْنَ النِّعَمِ السَّايِغَاتِ، يَا بْنَ طَهٍ وَالْمَحْكَمَاتِ

ای فرزند خبر عظیم؛ ای فرزند کسی که در ام کتاب (علم حق) نزد خدا علی و حکیم است؛ ای فرزند حجتهای واضح الهی؛ ای فرزند ادله روشن حق؛ ای فرزند برهانهای واضح و آشکار خدا؛ ای فرزند حجتهای بالغه الهی؛ ای فرزند نعمتهای عام الهی؛ ای فرزند طه و محکمات قرآن

يَا بْنَ يَسٍ وَالذَّرِّيَّاتِ، يَا بْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَّاتِ، يَا بْنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، دُونََ وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى

و ای فرزند یاسین و ذاریات؛ ای فرزند سوره طور و عادیات؛ ای فرزند آنکه خداوند در حقیقت فرمود: دنی فتدلی فكان قاب قوسین او ادنی که نسبت به حضرت علی اعلاى الهی مقرب ترین مقام است

لَبِئْسَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ يَكِ النَّوَى، بَلْ أَى أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ تَرَى، أَيْرِضَى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذَى طُوَى؛ عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تَرَى، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَلَا نَجْوَى

کاش می دانستم کجا دلها به ظهور تو قرار و آرام خواهد یافت؟ آیا به کدام سرزمین اقامت داری؟ آیا به زمین رضوان یا غیر آن؛ یا به دیار ذوطوی متمکن گردیده ای؟ بسیار سخت است بر من که خلق را همه بینم و ترا نبینم و هیچ از تو صدایی حتی آهسته هم بگوش من نرسد

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى، وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي صَجِيحٌ وَلَا شَكْوَى يَنْفَسِي أَنْتَ مِنْ مُغِيْبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا، يَنْفَسِي أَنْتَ مِنْ نَارِجٍ مَا نَزَحَ عَنَّا

بسیار سخت است بر من بواسطه فراق تو؛ و اینکه تو به تنهایی گرفتار باشی و ناله من نیز به حضرتت نرسد و شکوه به تو نتوانم. به جانم قسم که تو آن حقیقت پنهانی که دور از ما نیستی، به جانم قسم تو آن شخص جدا از مایی، که ابداً جدا نیستی

يَنْفَسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقَةٌ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا يَنْفَسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لَا يُسَامَى يَنْفَسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يَجَارِي يَنْفَسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعْمَ لَا تَضَاهِي

به جانم قسم که تو، همان آرزوی قلبی و مشتاق الیه مرد و زن اهل ایمانی که هر دلی از زیادت شوق او ناله می زند، به جانم قسم تو آن عزتی هستی که هم طرازی ندارد. به جانم قسم تو آن عظمتی هستی که هم قطاری ندارد. از آن نعمتهای خاص عالی خداوندی، که مثل و مانند نخواهد داشت

يَنْفَسِي أُنَيْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفِي لَا يُسَاوِي إِلَيَّ مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى، وَ أَيْ خِطَابُ أَصِيفُ فَيْكَ وَ أَيْ نَجْوَى عَزِيزَ عَلَيَّ أَنْ أَحَابَ دُونَكَ وَ أَنَاغَى عَزِيزَ عَلَيَّ أَنْ أَبِيكَ وَ يَخَذُكَ الْوَرَى عَزِيزَ عَلَيَّ أَنْ يَجْرَى عَلَيْكَ دُونَهُمَا جَرَى

به جانم قسم که تو از آن خاندان عدالت و شرفی که احدی برابری با شما نتواند کرد. ای مولای من؛ تا کی در (انتظار) شما حیران و سرگردان باشیم؟ تا به کی و به چگونه خطابی درباره تو توصیف کنم و چگونه راز دل گویم؟ ای مولای من بر من بسی سخت است که پاسخ، از غیر تو یابم. سخت است بر من از تو بگویم و خلق تو را واگذارند. سخت و مشکل است بر من که بر تو ماجرای دیگری (عیبت ممتد) پیش آمد

هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْيُكَاءَ؟ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا؟ هَلْ قَدَيْتَ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى؟ هَلْ إِلَيْكَ يَا أَبَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى؟ هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ يَعْدَهُ فَتَحْظَى؟

آیا کسی هست که مرا یاری کند تا بسی ناله فراق و فریاد و فغان طولانی از دل برکشم؟ کسی هست که جزع و زاری کند؟ آیا چشمی می‌گیرد تا چشم من هم با او مساعدت کند و زار زار بگیرد؟ ای پسر پیغمبر آیا به سوی تو راه ملاقاتی هست؟ آیا امروز به فردایی می‌رسد که به دیدار جمالت بهره مند شویم؟

مَتَى تَرِدُ مَنَاهَلِكَ الرَّيْبَةَ قَبْرِي؟ مَتَى بَنْتَقِعُ مِنْ عَذَبِ مَايِكَ فَقَدْ طَالَ الْبَدَى؟ مَتَى تُغَادِيكَ وَ تُرَاوِجُكَ فَتَقْرُ عَيْنَا؟ مَتَى تَرَانَا وَ تَرَاكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِيَاءَ النَّصْرِ تَرَى؟ أَتَرَانَا تَحْفَ يَكْ وَ أَنْتَ تَأْمُ الْمَلَأُ، وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا؟

آیا کی شود که بر جویبارهای رحمت درآییم و سیراب شویم؟ کی شود در چشمه آب زلال (ظهور) تو، ما غرقه شویم؛ که عطش ما طولانی گشت؟ کی شود که ما با تو صبح و شام کنیم تا چشم ما به جمالت روشن شود؟ کی شود که تو ما را و ما تو را ببینیم، هنگامی که پرچم نصرت و پیروزی در عالم برافراشته‌ای؟ آیا خواهیم دید که ما به گرد تو حلقه زده و تو با سپاه تمام روی زمین را پر از عدل و داد کرده باشی؟

وَ أَذَقْتُ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا، وَ أَبْرَتِ الْعَتَاةَ وَ جَدَّةَ الْحَقِّ، وَ قَطَعْتَ دَائِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ اجْتَنَنْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و دشمنانت را کیفر خواری و عقاب بچشانی و سرکشان و کافران و منکران خدا را نابود گردانی و ریشه متکبران عالم و ستمکاران جهان را از بیخ برکنی، تا با خاطر شاد ما به الحمد لله رب العالمین لب برگشاییم

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى، وَ إِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعَبْدُكَ الْعَدُوِي، وَ أَنْتَ رَبُّ الْأَخْرَةِ وَالْدُنْيَا، فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، عَبِيدَكَ الْمَبْتَلِي، وَ أَرِهْ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَ أزلْ عَنْهُ يَهُ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَ بَرِّدْ غَلِيْلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَالْمُنْتَهَى

ای خدا تو برطرف کننده غم و اندوه دلهایی، من از تو داد دل می‌خواهم که تویی دادخواه و تو خدای دنیا و آخرتی. یاری به داد ما برس ای فریادرس فریاد خواهان. بنده ضعیف بلا و ستم رسیده را دریاب و سید او را برای او ظاهر گردان. ای خدای بسیار مقتدر و توانا؛ لطف کن و ما را به ظهورش از غم و اندوه و سوز دل برهان و حرارت قلب ما را فرو نشان

اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَيْكَ وَ إِلَيْكَ، الْمُدْكِرُ يَكْ وَ بِنَيْكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا، وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قَوَامًا وَ مَعَاذًا، وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مَنَامًا، قَبْلَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا

ای خدایی که بر عرش، استقرار ازلی داری و رجوع همه عالم به سوی تست و منتهی به حضرت تست. ای خدا ما بندگان حقیرت، مشتاق ظهور ولی تویم که او یاد آور تو و رسول توست. او را برای عصمت و نگهداری و پناه دین و ایمان ما آفریده‌ای و او را برانگیخته‌ای تا قوام و حافظ و پناه خلق باشد و او را برای اهل ایمان از ما بندگان، امام و پیشوا قرار دادی. پس تو از ما به آن حضرت سلام و تحیت برسان

وَ زِدْنَا يَذَلِكِ يَا رَبِّ إِكْرَامًا، وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَ مَقَامًا، وَ أَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ بِنَقْدِيكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ، وَ مِرَافِقَةَ الشَّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ

و بدین واسطه مزید کرامت ما گردان و قرارگاه آن حضرت (آنچه باعث قرار و آرامش او می‌شود) را قرارگاه و آرام بخش شیعیان قرار ده و به واسطه پیشوایی او بر ما نعمت را تمام گردان. تا آن بزرگوار به هدایتش، ما را در بهشت‌های تو داخل سازد و با شهیدان راه تو و دوستان خاص تو رفیق گرداند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَ صَلِّ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ، وَ جَدِّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَ عَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ وَ أَكْمَلُ وَ أَمُّ وَ أَدُومٌ وَ أَكْثَرُ وَ أَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

ای خدا درود فرست بر محمد و آل محمد و باز هم درود فرست بر محمد، جد امام زمان که رسول تو، سید و بزرگترین پیغمبران است و بر علی جد دیگرش که سید سلحشور حمله کننده در راه جهاد توست. و بر جده او صدیقه کبری فاطمه دختر حضرت محمد و بر آنان که تو برگزیدی از پدران نیکوکار او بر همه آنان و بر او فرست بهتر و کاملتر و پیوسته و دائمی و بیشتر و وافرترین درود و رحمتی که بر احدی از برگزیدگان و نیکان خلقت چنین رحمتی کامل عطا کردی

وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا، وَلَا تَفَادَ لِأَمْدِهَا اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ

و باز رحمت و درود فرست بر او رحمتی که شمارش بی حد و انبساطش بی انتها و جاودانی و همچین زمانش بی پایان باشد و تمام نگردد. ای خدا به آن حضرت، دین حق را پاینده دار

وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَ أَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَ أَدِلِّمْ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَ صَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ، وَصَلَّةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَ يَمُكِّثُ فِي ظِلِّهِمْ

(بوسیله او) اهل باطل را محو و نابود ساز و دوستانت را با آن حضرت (به راه معرفت و سعادت) هدایت فرما و دشمنانت را به واسطه او ذلیل و خوار گردان. ای خدای منان ما او را پیوند و اتصالی کامل ده که منتهی شود به رفاقت ما با پدرانش (در دنیا و آخرت) و ما را از آن کسان قرار ده که چنگ به دامان آن بزرگواران زده است و در سایه آنان زیست می کنند

وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَ الْإِحْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَ ائْتِنَّا بِرِضَاهُ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ، وَ دَعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ

و ما را در اداء حقوق آن حضرت و جهد و کوشش در طاعتش و دوری از عصیانش یاری فرما. و بر ما به رضا و خشنودی آن حضرت منت گذار و رأفت و مهربانی و دعای خیر و برکت وجود مقدس را به ما موهبت فرما

مَا نَبَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ فَوْزاً عِنْدَكَ، وَ اجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَ ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَ دُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً؛ وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَ هَمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً

تا بدین واسطه ما به رحمت و وسعت و فوز سعادت نزد تو نائل شویم و به واسطه (توسل) به آن حضرت، نماز (و طاعات) ما را مقبول و گناهان ما را آمرزیده و دعای ما را مستجاب ساز؛ و هم و غم ما را بواسطه او برطرف و کفایت فرما

وَ جَوِّبْنَا بِهِ مَقْضِيَّتَهُ، وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ اقْبَلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَ انْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ، نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ

و روزی های ما را به واسطه او وسیع و حاجتهای ما را برآورده گردان. و بر ما به وجه کریم (و رحمت با کرامت) اقبال و توجه فرما و تقرب و توسل ما را به سوی خود بپذیر و بر ما به رحمت و لطف نظر فرما تا ما بدان نظر لطف کرامت نزد تو را به حد کمال رسانیم

ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَ اسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، يَكْأْسِهِ وَ يَبِيْهِ رَبِّاً رَوَّاباً، هَنِيئاً سَائِغاً، لَا ظَمَأَ بَعْدَهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

آنگاه دیگر هرگز نظر لطف را از ما به کرامت باز مگیر و ما را از حوض کوثر جد پیغمبر صلی الله علیه و آله به کاسه او و به دست او سیراب کن. سیرابی کامل گوارایی که بعد از آن سیراب شدن، دیگر تشنه نشویم ای مهربان ترین مهربانان.